

جایگاه «نشانه‌های شهری» در واکاوی مؤلفه‌های «هویت» و «فرهنگ» در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز)

دکتر طاهره نصر*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

چکیده

شهر، با الگوی فرهنگ‌گرا نمی‌تواند در هر جایی از زمین پیاده شود، متمرکز است و هویت هر شهر که منظر آن شهر را شکل می‌دهد، با شهر دیگری متفاوت می‌باشد. همچنین فضاهای شهری می‌توانند برای مردم، تداعی‌کننده جنبه‌های نمادین، فرهنگی و تاریخی باشند. چرا کالبد شهرهای امروز مفهوم ندارند؟ چرا در شهرهای امروز، یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است؟ مقاله حاضر به تبیین مؤلفه‌های هویتی می‌پردازد که از لحاظ فرهنگی می‌توانند بر منظر و سیمای شهر تأثیر گذار باشند. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی-اسنادی می‌باشد و به‌عنوان نمونه موردی شهر شیراز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل، حاکی از ضرورت توجه به نشانه‌شناسی شهری برای بازنمایی مؤلفه‌های هویت فرهنگی در شهرها است که در ارتقاء کالبدی-فضایی ارزش‌های شهری بسیار قابل توجه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

هویت، فرهنگ، نشانه شهری، شهر فرهنگ‌گرا، منظر شهر شیراز

* دکترای تخصصی شهرسازی، استادیار، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Email: nasr@iaushiraz.ac.ir

مقدمه

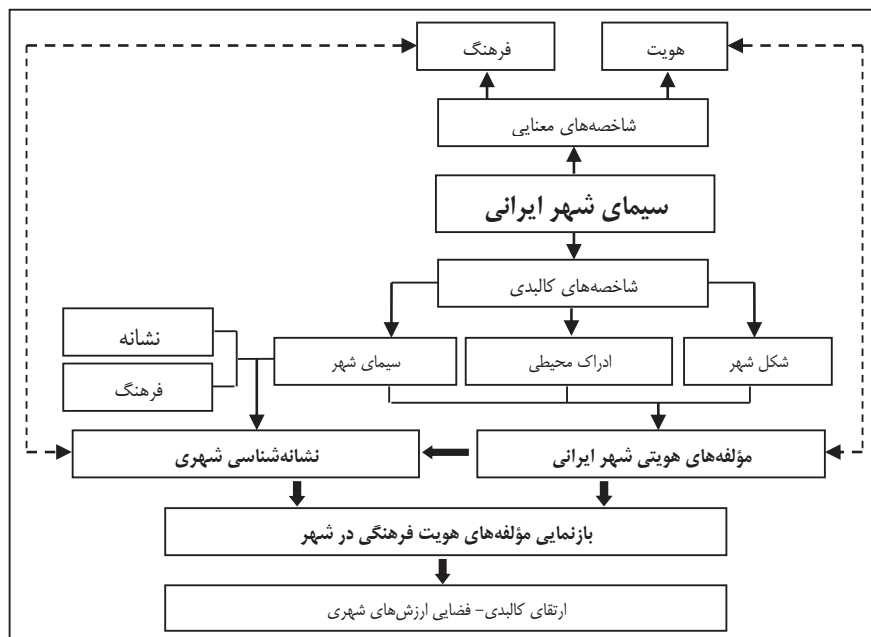
با این مقدمه می‌توان گفت آنچه در شکل‌گیری کالبد شهر نقش ایفا می‌کند ناشی از شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی است. به بیانی دیگر شکل‌گیری بسیاری از شهرهای ایرانی ناشی از این عوامل بوده است. در این مقاله سعی می‌شود که به بررسی عواملی که هویت فرهنگی کالبد شهر ایرانی را شکل می‌دهد پرداخته شود.

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که چگونه مؤلفه «فرهنگ» در هویت کالبدی شهر ایرانی می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ به نظر می‌رسد توجه به عوامل محتوایی و مفهومی از جمله «فرهنگ» می‌تواند علاوه بر مؤلفه‌های طبیعی و مصنوعی و انسانی به عنوان نشانه‌هایی در هویت شهرهای تاریخی ایرانی مطرح باشد. توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنای شهر امروز ایرانی می‌تواند در کنترل بحران هویت سیمای شهر مؤثر باشد. همچنین با نشانه‌شناسی شهری می‌توان بازنمایی مؤلفه‌های هویت فرهنگی شهرها را مدنظر قرار داد.

روش پژوهش

این تحقیق بر اساس نوع داده‌ها جهت گردآوری و تحلیل، تحقیقی کیفی است. روشی که در این پژوهش به کار گرفته خواهد شد به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسنادی می‌باشد و به عنوان نمونه موردی نیز شهر شیراز مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی مؤلفه‌های هویتی شهر شیراز در مدلی که برای بیان هویت کالبدی شهر ایرانی طراحی شده به آزمون گذاشته می‌شود و از این طریق پارامترهای «هویت» و «فرهنگ» به عنوان

فضا علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی‌شناسی این کالبد، واجد معنا و یا معنایی‌ای نیز می‌باشد که در خاطره جمعی جامعه نقش می‌بندد. علاوه بر آن، عملکردهایی را نیز در مقاطع زمانی مختلف می‌توان برای هر فضا تعریف کرد که با استناد به مجموعه اینها تعریف شقوق مختلف هویت فضاهای شهری ایرانی (هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی) امکان‌پذیر می‌گردد. هویت هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. هویت موضوعی است که تفاوت سیمای شهر قدیم ایرانی و سیمای شهر معاصر را موجب گشته است. مطالعات در عرصه‌ها و پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم است. توجه به شهرسازی و معماری قدیم نشان‌دهنده همدلی با آن است و سیمای شهرهای بی‌هویت کنونی حاصل التقاط فرهنگی امروز است. می‌توان با شناسایی اصول شکل‌دهنده فضاهای شهری ایرانی، شناخت نیازهای جامعه انسانی و شناخت ارزش‌های فرهنگی جامعه به نظام پایدار برنامه‌ریزی برای شهر معاصر اندیشید. برای این منظور باید دید تغییر و تحولات هر دوره چگونه و تا چه حد بوده است. عناصر طبیعی، ساختارها و کالبدهای مصنوعی، ترکیب اقوام و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حوادث تاریخی موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آنها در دوره‌های مختلف سبب شناسایی تمایزات هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شکلی آن شهر را سبب می‌گردد.



شکل ۱. روند تحلیلی جایگاه نشانه‌های شهری در سیمای شهر ایرانی

«فرهنگ» مؤلفه‌ای است معرفتی و شناختی، که پشتوانه ارزشی هر ملت می‌باشد و مشتمل بر سُنن، اعتقادات، آداب و رسوم است که در شکل جامعه نمود می‌یابد.

دو مؤلفه قابل اهمیت در سیمای شهر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در شکل ۱ روند تحلیلی مقاله ارائه شده است.

مبانی نظری

فرهنگ

لغت‌نامه دهخدا، واژه «فرهنگ» را از دو جزء «فر» و «هنگ» (فر به معنی شکوه، شأن و منزلت و هنگ به معنی کشیدن و وقار) به معنی بیرون کشیدن ذکر کرده است (دهخدا، ۱۳۲۵). فرهنگ عمید، واژه فرهنگ را به معنی دانش، ادب، علم، آموزش و پرورش، هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب آورده است (عمید، ۱۳۵۰).

در نیمه سده نوزدهم میلادی برخی از دانشمندان واژه «فرهنگ» را برای ارجاع به ظرفیت جهان شمول بشری اطلاق کردند. «ادوارد تیلور» مردم‌شناس انگلیسی فرهنگ و تمدن را به یک مفهوم به کار برده، فرهنگ یا تمدن را مجموعه‌ای پیچیده از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت‌ها و عاداتی دانسته که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه می‌پذیرد (جعفری، ۱۳۷۹، ۵۵).

«ادوارد تی هال»^۲ فرهنگ را وسیله‌ای می‌داند که بشر جهت ادامه حیات خویش با آن تکامل بخشیده است و معتقد است که فرهنگ سنگ بنای تمدن است (سموار و همکاران، ۱۳۷۹، ۵۵). از دیدگاه تاریخی، «وودوارد»^۳ و «ساترلند»^۴ معتقد هستند که «فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسل دیگر رسانده شود و کلیت جامعی که شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزارسازی و کاربرد آنها و روش فرارساندن آنها می‌شود» (آشوری، ۱۳۸۰، ۵۳). بنابراین در این دیدگاه فرهنگ، میراث اجتماعی یک قوم است. به گفته «فورد»، «فرهنگ را می‌توان جریانی از ایده‌ها دانست که از فردی به فردی از راه عمل نمادین، آموزش زبانی یا تقلید می‌رسد» (همان، ۱۳۷۰). در این تعریف تأکید بر ایده است. در تعریف «کروبر»^۵، تأکید بر عناصر سازه‌ای فرهنگ است. او فرهنگ را به ارزش‌های اجتماعی و تمدن را به واقعیت‌های اجتماعی مرتبط می‌داند (روح‌الامینی، ۱۳۶۵، ۴۹). از دیدگاه «مایرس»^۶، «فرهنگ آن چیزی است که از گذشته آدمی به‌جای مانده و بر اکنون و آینده او تأثیر می‌گذارد» (آشوری، ۱۳۸۰، ۵۱). لذا در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: «فرهنگ به همه نهادها، فنون، هنرها، رسوم، سنت‌ها، ادبیات، اعتقادات و مجموعه روش‌های زندگی مشترک گروهی از مردم که همانندی در رفتار، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب و فناوری دارند، اطلاق می‌شود» (زیاری، ۱۳۸۲، ۹۷-۹۶).

هویت

اصول تفکر سنتی برای هر شیء، ظاهر و باطن قائل است و در این تفکر، معنا حائز اهمیت است (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲، ۲۷۰). بنابراین ذات مطلق را می‌توان هویت دانست. «به معنای متداول امروزی، هویت نتیجه «این‌همانی» است. منظور فرایند مقایسه بین عینیتی موجود «ابژه» با اطلاعات و داده‌هایی از آن، در یک حافظه است» (پاکزاد، ۱۳۷۶، ۴۷). هر فضایی با شدت و ضعف متفاوت واجد هویت است و هویت نهایی فضا، برآیند هویت‌های عملکردی، کالبدی، محیطی، فرهنگی و معنایی آن می‌باشد. به این ترتیب امکان تمیز فضای شهری ایرانی از فضاهای شهری سایر تمدن‌ها با مشخص شدن ویژگی‌های هویتی هر فضا مقدور می‌گردد.

در جدول ۱ مقایسه‌ای تطبیقی در معنی واژه هویت انجام گرفته است. آنچه مسلم است اینکه هر شیء واجد هویتی است و این هویت به صفاتی مترتب است که حاصل عمل آن شیء و معرف ویژگی‌های معنوی آن هویت هستند که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است.

با توجه به آنچه از مفهوم هویت در فرهنگ‌های علوم مختلف دیده می‌شود، می‌توان گفت «این‌اویی» و توجه به «او» بیشتر از مفهوم «این‌همانی» مورد توجه است. در شهرسازی ایرانی نیز توجه به «او»، از ویژگی‌های معنوی است که به‌عنوان جزئی از مؤلفه‌های «هویت فرهنگی» می‌توان مطرح نمود. به‌طور مثال می‌توان به جایگاه ویژه عنصر «مذهب» در شهرسازی ایرانی و چگونگی ظهور مؤلفه‌های فرهنگی و معنوی در کالبد بنا، اشاره نمود.

جدول ۱. تعاریف «هویت» در فرهنگ علوم گوناگون (مأخذ: نصر، ۱۳۹۵، ۱۱)

نام فرهنگ	مفهوم هویت
فرهنگ علوم انسانی	چیستی و کیستی
فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی	ذات مطلق
فرهنگ علوم فلسفی و کلامی	مشتق از «هو»، حقیقت جزئی
فرهنگ معارف اسلامی	حقیقت مطلقه مشتمل بر حقایق
فرهنگ اصطلاحات منطقی	ماهیت مشخص متعین جزئی که در خارج موجود است
فرهنگ المنجد عربی	«او» بودن
لغت‌نامه دهخدا	تشخیص

هویت فضا و هویت مکان

«هر فضا و مکانی، به عنوان یک منبع هویت است و گروه‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند هویت می‌بخشد» (ریانی، ۱۳۸۱، ۳۷). آنچه مسلم است در طراحی شهری و شهرسازی، مفاهیم «هویت» و «حس مکان» همواره مورد توجه بوده است. شهرسازی همواره بستری برای ایجاد «حس مکان» بوده و «فرهنگ‌ها» در این بستر خود را نشان می‌دهند و کالبد‌های به‌وجود آمده در این بستر، تصویری را در اذهان مردم ایجاد می‌کند. «یک فضا برای ساکنان باید از یک هویت و از یک ساختار برخوردار باشد» (فیالکوف، ۱۳۸۳، ۶۲). اینکه هر شیء واجد هویتی است و این هویت به صفاتی مترتب است که حاصل عمل آن شیء و معرف ویژگی‌های معنوی آن هویت هستند که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است. در بستر شهرسازی، مکان و فضا، فرهنگ و حافظه تاریخی را می‌توان به عنوان ابزارهایی هویت‌ساز دانست. «یک شهر نیز به عنوان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های شناخته‌شده توسط انسان، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده دارای هویتی خاصی است» (شیعه، ۱۳۷۶، ۴). هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد. این شخصیت و هویت خاص، با مؤلفه‌های متفاوتی تعریف و توصیف می‌شود. این مؤلفه‌ها که بر مبنای تفاوت شکل، محتوا و عملکرد ساختار ماهوی شهر را تشکیل می‌دهند در شهرهای مختلف متفاوتند. بنابراین همان‌طور که انسان از محیط بیرونی خود متأثر می‌گردد، تنوع هویتی شهرها نیز تأثیرات گوناگونی بر حیات جمعی شهروندان می‌گذارد.

«هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی وی درباره جهان کالبدی است که در آن زندگی می‌کند» (Proshansky, 1978, 147). گوردن کالن در کتاب «خلاصه منظر شهری» تکنیک‌های منظر عینی را ارائه می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). برای کوین لینچ در کتاب «سیمای شهر» تحلیل منظر ذهنی مهم است (Lynch, 1960). کارل کروف در مقاله «بافت‌شناسی و ویژگی‌های شهر» ریخت‌شناسی شهر را مطرح می‌کند. از نقطه نظر او ریخت‌شناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل تشخیص و هویت شهر را نشان می‌دهد (کریلایی نوری، ۱۳۸۵، ۱۳۷۳). واگنر معتقد است که زمان و مکان، انسان و عمل، هویتی تفکیک‌ناشدنی را می‌سازند؛ بنابراین معنا و عمل عناصری در هم تنیده‌اند که در فهم هویت مکان باید در نظر گرفته شوند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۳۲۵). کریستوفر الکساندر برای تعریف هویت در بناها و شهرها معتقد است هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوی خاصی از رویدادهایی که در آن مکان حاصل می‌شود، شکل می‌گیرد. هویت هر شهر یا بنا بیش از هر چیز تحت تأثیر رویدادی است که در آن اتفاق می‌افتد (الکساندر، ۱۳۸۶، ۵۲).

تعریف سنون هویتی فضای شهری ایرانی

هویت فرهنگی: مردم ضمن درک هویت فضا و احساس «این همانی با فضا»، آن را با هویت خویش هماهنگ و همراه می‌یابند.

بیگانگان یا آن را درک نمی‌کنند یا اینکه آن را با معانی موردنظر خود متمایز می‌یابند.

هویت کالبدی: در فضای شهری ایرانی، در وحدت و تکرار آنها در سطح هر شهر و همین‌طور در ویژگی‌های کالبدشان که با حداقل بازشوها ساخته می‌شدند، به همراه نوع مصالح و فرم‌ها و عناصر آشنا، می‌توان از هویت کالبدی فضاهای شهری سایر ملل تمیز داد.

هویت عملکردی: با توجه به تمایزات عملکردهای هم‌نام در فرهنگ‌های مختلف کاملاً بارز و قابل تمیز از فضاهای غیرایرانی بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۵ الف، ۱۷). لینچ نیز معتقد است ابزارهای هویت‌ساز عبارتند از: مکان و فضا، زمان، فرهنگ، تعاملات انسانی، حافظه تاریخی، رفتارها و هنجارها، هنر و سلیقه (لینچ، ۱۳۷۶، ۹۴). این پژوهش اشاره می‌کند که «هویت» نه تنها یک صفت نیست بلکه فراتر از صفت، مطرح است. لذا دارای «ماهیت» است و تنها یک هنجار نیست.

شکل شهر

شکل شهر واقعیتی مستقل از ناظر است که به صورت مداوم وجود داشته و پیام‌هایی از آن ارسال می‌شود. در منظر شهری است که شکل شهر به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می‌شود. قدرت و قابلیت ایجاد تصور ذهنی از شکل شهر در ذهن فرد، قابلیت موجود در شکل شهر است. خصوصیات شکل شهر می‌تواند به ایجاد تصور ذهنی از شکل شهر در ذهن شهروند و ایجاد حس مکان بیانجامد.

«معنای شکل شهر که با ایجاد تصور ذهنی از شهر مترادف است شامل مدارجی از ادراک، شناسایی (بازشناسی و تمایز)، برقراری پیوند بین اجزا و عناصر، برقراری پیوند و ارتباط بین شکل شهر و فعالیت‌های شهر، برقراری پیوند با رویدادها، مکان و زمان، ارتباط با مفاهیم غیرفضایی و ارزش‌ها می‌باشد. ایجاد یک تصویر ذهنی قوی از شهر است که مبنای تعامل مردم را با محیط فراهم می‌آورد» (حبیب، ۱۳۸۵، ۹).

ادراک محیطی

ادراک انسان از محیط از محوری‌ترین مقولات در روان‌شناسی محیطی است. فرایندی است که از طریق آن انسان، داده‌های لازم را براساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند. لذا فرایندی هدفمند است و به فرهنگ نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک‌کننده بستگی دارد. از این رو فرایند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است.

سیمای شهر

عناصری چون نشانه، راه، لبه، گره و محله تشکیل‌دهنده سیمای شهر می‌باشند. از آنجا که نشانه با مقوله فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ دارد، لذا در این نوشتار به بحث نشانه پرداخته می‌شود.

نشانه: «ساختار شهرها برآیند تفکرات و جهان‌بینی ملل و تمدن‌ها

معنای تاریخی خود، نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود.

شهر، شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و جایگاه مراکز و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و موارد دیگر است. در شهر تجارب انسانی به علائم ماندگار، نمادها، الگوهای رفتاری و دستگاه‌های نظم ترجمه می‌شود. در آنجا مسائل تمدن متمرکز می‌گردد. آئین‌ها و تشریفات هر از گاهی به درام پر جنب و جوش از جامعه‌ای کاملاً ناهمگون و خودآگاه تبدیل می‌شود. شهرها محصول زمان هستند. در شهر، زمان مرئی می‌شود؛ بناها، یادمان‌ها و معابر عمومی، در مقایسه با مصنوعات پراکنده نواحی غیرشهری، بیش از گذشته در برابر دیدگان انسان‌ها خودنمایی می‌کند. زمان در تقابل و تعارض با مکان قرار می‌گیرد. عادات و ارزش‌ها به فراسوی گروه‌های انسانی معاصر انتقال می‌یابد و با لایه‌های زمان که مشخصه هر نسل مجزایی است چیدمان می‌شود. ادوار گذشته لایه به لایه تا زمانی که حیات تداوم دارد خود را در شهر حفظ می‌نمایند (مامفورد، ۱۳۸۵، ۳۰-۲۱). بنابراین، شهر براساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل می‌گیرد. هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساساً متکی به فرهنگ است. فرهنگ به‌عنوان مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه (که شامل ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم، سطح دانش و فناوری و سایر موارد می‌باشد)، بر معماری و فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. به واقع آنها، تبلور عینی این ذهنیت هستند. تصویر ذهنی نقش مهمی در ثبت نشانه‌ها ایفا می‌کند. کتب اندیشه ذهنی و مؤلفه آن و ادراک از این‌ها منظر در روند ایجاد تصویر ذهنی دخیل هستند.

آن گونه که آلدو روسی گفته است «شهر چیزی نیست جز تاریخ هم‌زمان شده». در این گفته خردمندانه، که شباهت فوق‌العاده‌ای با گفته کوین لینچ مبنی بر اینکه «شهر ماکتی از تاریخ است که با آجر، بتن، شیشه، سنگ و سایر موارد ساخته شده است» دارد، این مضمون نهفته است که منظر شهری قادر است فصول پی‌درپی تاریخ یک جامعه شهری را به نمایش گذارد (گلکار، ۱۳۸۷، ۹۹). فضاهای معماری و فضاهای شهری تجلی‌گاه فرهنگ، تمدن و پیشرفت علمی و فرهنگی یک جامعه به شمار می‌آیند. سیمای شهری و نمادهای موجود در آن نمودار شخصیت، منش، کارکرد و فرهنگ ساکنان آن می‌باشد و از این روست که جلوه‌های معنوی شهر و به ویژه نشان‌ها و نمادهای اعتقادی و مرتبط با جنبه‌های ماوراء‌مادیات از اعتباری شایان توجه برخوردارند. «زمینه‌گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شهر بازتابی از آن است. مردم، توسط فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان، تبدیل می‌کنند» (Rapoport, 1977, 6). به تعبیر راپاپورت (که بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر تأکید دارد)، سازمان‌دهی محیط مصنوع، شامل سازمان‌دهی معنا نیز می‌شود که در آن ویژگی‌های کالبدی نظیر مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، خاصیت ارتباطی و نمادین دارد. عناصر کالبدی در محیط، معانی متفاوتی دارند و این معانی به طور نظام‌یافته ای

هستند. سیمای کالبدی و مکان‌های شهر، ما به ازای ساختارهای ذهنی ساکنان آن و یا مشخص‌کننده روش فکری آنها هستند» (Stringer, 1975). «اعتقادات و باورهای دینی از دیرباز تأثیر خود را بر شکل‌گیری شهرها گذاشته‌اند تا حدی که مامفورد یکی از علل اصلی شکل‌گیری شهرها را مسائل معنوی می‌داند» (Mamford, 1961). همچنین توجه به این نکته نیز ضروری است که «نمادها و نشانه‌ها وسیله‌های بالقوه برای رساندن معناست» (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ۱۰۲). اهمیت و ضرورت حضور نمادها در شهر به حدی است که کوین لینچ وجود شبکه‌ای از نمادها را جهت ایجاد خوانایی در شهر ضروری می‌داند (Lynch, 1960). نشانه‌ها در هویت‌دادن به سیمای شهر مؤثرند و جهت‌یابی در شهر را آسان می‌کنند. تأثیر نشانه بر سیمای شهر علاوه بر هویت، تنوع است که آن را از بی‌حالی و یکنواختی که پسندیده طبع آدمی نیست درمی‌آورد.

«به‌کارگیری نشانه‌شناسی به مثابه ابزاری برای تحلیل و ارزیابی هویت، استعاره‌ها و دلالت‌های تصریحی و تلویحی در ساختار شهر، نمودی از کاربرد نشانه‌شناسی شهری است» (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، الف، ۴۹). درک نشانه‌ها به طور کاملاً ناخودآگاه از طریق ارتباط دادن آنها با نظام‌های آشنایی از هنجارها و قراردادهای اجتماعی تحقق می‌یابد. این استفاده معنادار از نشانه‌هاست که در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۸۶، ۴۵). «برخی فضاها و عملکردهای شهری می‌توانند موجد خوانایی شهر و تمایز آن شده و بیان‌کننده هویت ملی و برانگیزاننده احساس غرور در مردم شهر باشند. برای تداوم ارزشی این عناصر باید ابزارهای هویت‌دهنده و روش‌های نوینی در نظر گرفت تا آنچه باقی مانده است به صورت دائمی و کارا حفظ شود» (بهرادفر، ۱۳۸۶، ۵۰).

امروزه در شهرهای سنتی ایران، بر اثر توسعه مداوم اما پراکنده و بی‌سازمان شهرها، الگوی سازمان فضایی شهر و هویت اصلی آن دگرگون شده است. همچنین قطع تداوم فرهنگی در ایجاد پیوند عملکردهای شهری و به‌ویژه مجموعه‌های تاریخی به‌مرور خدشه وارد آورده است. همچنین شالوده‌های نمادین و نشانه‌های شهری نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. اما باید توجه داشت که حس هویت مردم و ریشه‌دار بودن در محیط کالبدی شهرها رقم می‌خورد.

فرهنگ و شهر: اگر چه در عصر حاضر شاخص‌های مادی و کمی به عنوان وجه تمایز شهر و انواع مجتمع‌های زیستی دیگر به کار گرفته می‌شود، ولی از توجه به این نکته اساسی نیز نباید غفلت کرد که در طول تاریخ ابعاد معنوی و فرهنگی و کیفی نیز در تعریف شهر، نقشی شایان توجه ایفا نموده، ضمن آنکه، تحولات فکری جامعه بشری به‌همراه پیشرفت علوم و ارائه تئوری‌های جدید، اهمیت ملحوظ داشتن و پرداختن به ابعاد کیفی و فرهنگی را بیش از پیش روشن کرده است. یکی از این مباحث، نگرش به شهر به‌عنوان موجودی زنده است، که در واقع بیانگر تجلی روح جمعی جامعه در کالبد و فضاهای شهری و تنظیم روابط بین آنها می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ب، ۵۸-۵۶). شهر در

مؤلفه‌های هویت طبیعی: عناصر طبیعی نشان‌دهنده هویت طبیعی هر مکان می‌باشند و از آنجا که طبیعت از ابتدا جزئی از وجود انسان بوده و فرد در کنار آن به آرامش می‌رسد، شهرها و عناصر آن باید چنین محیط و بستری را فراهم سازند و محل آرامش انسان باشند. این آرامش عموماً در کنار جنبه کالبدی، جنبه احساسی و روانی نیز دارد. به این ترتیب که عناصر طبیعی و برجسته محیطی نشانه‌هایی آشنا برای افراد شهر می‌باشند و این نشانه‌ها با افراد و ساکنان و شهروندان آن ارتباط برقرار می‌کند و جزئی از وجود و خاطره آنها می‌شود (خطیبی، ۱۳۹۲، ۶۵-۶۴).

مؤلفه‌های هویت مصنوع: ساخته‌های بشری و عناصر کالبدی مصنوع، با تمام ویژگی‌های حاکم بر آن همچون فرم، ابعاد، اندازه و تناسبات به عنوان تبلور کالبدی ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی، محیطی که تحت عناوین هویت انسانی و هویت طبیعی از آن یاد شد، یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری هویت شهری مطرح می‌باشند. هویت مصنوع، ابعاد مختلف ساخت و استخوان‌بندی اصلی شهر مشتمل بر مشخصات کالبدی، مشخصات عملکردی، مشخصات فضایی و بصری را دربر می‌گیرد (بهزادفر، ۱۳۸۶). هویت هر فضا از نظر الکساندر، حاصل رویدادهایی است که در آن اتفاق می‌افتد. همین‌طور که کل شکل می‌گیرد، هویتی جاودانه به خود می‌گیرد که آن را شایسته نام هویت جاودانه می‌کند. این هویت، هویتی ویژه و کالبدی دقیق و ظریف است که هرگاه بنا یا شهری زنده می‌شود باید به وجود آید. این هویت تجسم کالبدی کیفیت بی‌نام در بناهاست (الکساندر، ۱۳۸۶).

مؤلفه‌های هویت انسانی: مبحث هویت شهری علاوه بر جنبه‌های کالبدی - جغرافیایی با مباحث اجتماعی - انسانی نیز درآمیخته است و بدون در نظر گرفتن این جنبه‌ها مفهوم مشخصی را دربر نمی‌گیرد. به‌طور کلی بافت‌های شهری و به ویژه بافت تاریخی صرفاً واجد ارزش‌های کالبدی نیست و نمی‌توان آن را تنها از جنبه کالبدی تحلیل کرد و مسائل و مشکلات آن را تنها از این دیدگاه بررسی نمود. حضور فرد در یک فضا و یا مکان شهری تنها به برداشت کالبدی وی از فضای شهری منجر نمی‌شود، بلکه عموماً بین فرد و فضا یا کالبد فضایی ارتباطی برقرار می‌شود که در ذهن فرد جای می‌گیرد و زمینه‌ساز برداشت ذهنی او از محیط اطراف می‌گردد (خطیبی، ۱۳۹۲، ۶۵). در ایجاد هویت در فضاهای شهری، در فضای جدید باید مؤلفه‌های کالبدی و فرهنگی را مدنظر قرار داده به گونه‌ای که توان ایجاد حس تعلق خاطر در ساکنان جدید را داشته باشد.

▲ جایگاه مؤلفه «فرهنگ» در هویت کالبدی شهر

در طول تاریخ ابعاد معنوی و فرهنگی و کیفی در تعریف شهر نقشی شایان توجه داشته‌اند. شهر بر اساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای

به فرهنگ پیوند خورده‌اند. مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت، هنجارهای رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده انجام می‌دهند (Ibid, 24-26).

همچنین این نشانه‌ها را می‌توان در محیط شهری به‌عنوان عناصر هویتی مشاهده نمود که در شهرهای مختلف این عناصر دیده می‌شوند و در هویت کالبدی شهرها تأثیر دارند. شاخص‌های تعیین‌کننده در هویت کالبدی شهر را می‌توان مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی برشمرد (نصر، ۱۳۹۲).

در این راستا قابل ذکر است که استخوان‌بندی شهر مجموعه‌ای است مرکب از ستون فقرات و شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته از کاربری‌ها و عناصر مختلف شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد و تار و پودش در همه گستره شهر تا انتهای‌ترین اجزای آن یعنی محله‌های مسکونی امتداد می‌یابد. این مجموعه مبین ویژگی‌ها و خصوصیات کلی شهر است و شامل عوامل مصنوع (مساجد، کلیساها، کاخ‌ها و دیوارها و حصارها) و عناصر طبیعی (کوه‌ها، تپه‌ها، رودخانه، ساحل دریا و پوشش‌های گیاهی انبوه و نظایر آن) است. عناصر استخوان‌بندی شهر که همان شبکه نمادین شهر را تشکیل می‌دهند، ابزارهای هویت‌دهنده و نقاط عطفی در شهر هستند که با سازمان فضایی خاص خود در ایجاد خاطره ذهنی از شهر و خوانایی آن به کار می‌آیند (حمیدی، ۱۳۷۶). رودها، دریاچه‌ها، پوشش گیاهی و گونه‌های جانوری مختص نقاط ویژه و سایر عوامل طبیعی که به عنوان نماد اصلی یک شهر درمی‌آیند و خود را به عنوان عناصر اصلی هویت‌بخشی در شهر معرفی می‌کنند، نقش مهمی را در شناخته شدن شهر و ساکنین آن ایفا می‌نمایند. علاوه بر عناصر طبیعی که نمود ظاهری از یک شهر را نمایش می‌دهد، ساختمان‌ها، شبکه راه‌ها، فضاهای عمومی، عناصر تکمیل‌کننده فضا همچون مبلمان شهری و به‌طور کلی محیط مصنوع در صورت هویت‌دار بودن قادرند منظر و سیمای متفاوتی را از کالبد هر شهر به نمایش گذارند. بنابراین هویت‌بخشی به این ابعاد، بایستی هماهنگ و متناسب با فرهنگ و اعتقادات ساکنان شهر باشد.

بیان مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی هویت کالبدی شهر

در قالب کلی مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی هستند که هویت کالبدی شهر را شکل می‌دهند.

- جایگاه کلی طبیعی و مؤلفه‌های ساختاری طبیعی شامل آب‌وهوا، پوشش گیاهی، تنوع خاک، مسیر آب و سایر موارد شکل‌دهنده هویت طبیعی شهر است.

- جایگاه کلی مؤلفه‌های مصنوعی شامل کلیت فرم شهر، استخوان‌بندی و ساخت شهر، شاخص‌های مهم شهری شامل میدان، دروازه‌ها، بازارها، کاخ‌ها و بناهای مهم شهری، توده‌های شاخص شهری شامل محلات قدیمی شهر می‌باشد.

- جایگاه کلی مؤلفه‌های انسانی نیز شامل تبار و نیاکان، اوضاع دین و مذهب، آداب و رسوم و گویش‌ها می‌باشد.

سال سابقه تاریخی فقط به یکی دو دوره محدود نمی‌شود و از تمام ادوار تاریخی آثار توریستی و فرهنگی و تاریخی بی‌شماری وجود دارد. آثار تاریخی، طبیعی، مذهبی و فرهنگی فارس و شیراز متنوع و مختلف است و فقط به یک سبک خاص معماری در یکی دو قرن محدود نمی‌شود؛ هم دارای آثار تاریخی ایران باستان است و هم در ایران بعد از اسلام یکی از مهم‌ترین نقاط ایران بوده است. در مجموع یک‌سوم آثار تاریخی و فرهنگی و گردشگری ایران در فارس است و شیراز جایگاهی ویژه در استان فارس دارد. نام شیراز نیز در الواح گلی عیلامی، کتاب‌ها و اسناد تاریخی، تحت نام‌های مختلفی نظیر «تیرازیس»، «شیرازیس» و «شیراز» به ثبت رسیده است. همچنین شیراز در دوران صفاریان، آل بویه و زندیه، پایتخت ایران بوده است.

لذا به عنوان نمونه شهر شیراز مورد بررسی واقع شده و ضمن بیان این مؤلفه‌ها، عناصر شهری که به عنوان شناسه شهری نیز مطرح هستند در قالب مؤلفه طبیعی، مصنوعی یا انسانی هویت شهر نیز تبیین می‌گردد. این نکته قابل یادآوری است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در معماری فضای شهری، نمایانگر هویت یک فضا است؛ پس می‌توان هویت را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دانست که وجه مشخصه یک فضا (در زمینه‌های فرهنگی، کارکردی و سرزمینی) بوده و آن را از سایر فضاها و فرهنگ‌ها متمایز می‌کند. به این ترتیب هویت یک فضای معماری و نیز یک فضای شهری در مفهوم کلی و جامع آن، نشان‌دهنده خصوصیات اصلی فرهنگی و سرزمینی آن است.

جدول ۲ به بررسی مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر شیراز می‌پردازد. چنانچه گفته شد، هر یک از عناصر هویتی می‌تواند به عنوان نشانه‌ای برای این شهر مطرح گردد. همچنین قابل ذکر است که هر یک از مؤلفه‌های مصنوعی و انسانی به‌عنوان یک مؤلفه فرهنگی در شهر ایرانی می‌تواند مطرح باشد.

در شهر شیراز به‌عنوان یک شهر ایرانی مؤلفه فرهنگ و عناصر فرهنگی در تصویر ذهنی که از شکل شهر در اذهان متصور است جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا در نتیجه مدل فوق می‌توان گفت مؤلفه فرهنگ بر هویت شهر شیراز تأثیرگذار بوده است. این مورد می‌تواند برای شهرهای مختلف به آزمون گذاشته شود و به این نتیجه رسید که مؤلفه‌های سیاست، اقتصاد یا اقلیم در هر شهر جایگاهی متفاوت دارد. در بررسی از دیدگاه فرهنگی که در دسته‌بندی فوق نیز در هویت کالبدی شهر می‌گنجد، ذکر این نکته نیز ضروری است که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شهر بازتابی از آن است. لذا عناصر متشکله ساختار شهر واجد معنا هستند. بنابراین سازماندهی ساختار شهر همزمان با سازماندهی معنا صورت می‌گیرد که این معانی به طور نظام‌مندی با فرهنگ پیوند یافته است. همچنین از دیدگاه معنوی نیز فرهنگ ساخت‌وساز شهری سنتی قابل توجه می‌باشد. با توجه به موارد ذکر شده این مورد را می‌توان در چرایی شکل‌گیری ارتفاع بناهای معماری سنتی ایرانی، آنجا که ارتفاع مسجد خط آسمان یکنواخت بناهای مسکونی را می‌شکند، که خود متذکر، هدایت‌کننده، تقویت‌کننده خوانایی شهری و ... می‌باشد درک نمود، و یا در تأمل در رمز و راز قرارگیری بازار در کنار مسجد پی برد

ساکنان آن شکل می‌گیرد، زیرا چنانچه گفته شد نگرش به شهر به‌عنوان موجودی زنده در واقع بیانگر تجلی روح جمعی جامعه در کالبد و فضاها شهر و تنظیم روابط بین آنهاست. هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و فرهنگ، به‌عنوان مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه بر معماری و فضاها شهر تأثیر می‌گذارد. در واقع آنها تبلور عینی این ذهنیت‌ها هستند. تصویر ذهنی نقش مهمی در ثبت نشانه‌ها ایفا می‌کند. تصویر ذهنی برآمده از عوامل متعددی است که مؤلفه‌های تأثیرگذار در تصاویر ذهنی مشترک از شهر را ایجاد می‌کند (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ب، ۴). شهر در معنای تاریخی خود نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک جامعه متبلور می‌شود. بنابراین مردم توسط فرهنگ (مجموعه ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی مشترک) به محیط خود معنی داده و ایجاد مکان و حس مکان را می‌توان نتیجه همین فرایند دانست.

می‌توان در بازشناخت نشانه‌های شهری، از فرهنگ، تاریخ، باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و سایر موضوعات مرتبط الهام گرفته و با تأکید بر آن زمینه‌گرایی نشانه‌ها را در شهرهای تاریخی مدنظر قرار داد. «بخش‌های پایدار نظام نشانه‌ای در راستای انسجام در شهر به‌صورت بُعد فرهنگی هم نمود می‌یابد. در بُعد فرهنگی، خلق مجموعه قواعدی که به حفظ ارزش‌های نمادین و هویت جمعی می‌انجامد و پیوند معانی عناصر کالبدی را با فرهنگ برجسته می‌سازد و بر کارکرد فرامتنی نشانه‌ها دلالت دارد. ویژگی بسیاری از شهرهای تاریخی در تقابل با توسعه‌های جدید آن است که در پاسخ به نیروهای توسعه بیرونی یا تبدیل به بخش‌های غیر قابل سکونت شده و یا در درون شهرهای جدید مدفون می‌شوند. لذا با نگاهی زمینه‌گرا به نظام نشانه‌ای در شهر می‌توان به تبیین کارکرد نشانه‌ها برای دستیابی به بخش‌های پایدار در ساختار شهر پرداخت» (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ب، ۱۹-۱۸). پایبندی طراحان به وجه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که «طراح به منزله پرورش‌دهنده موجب تقویت پیوندهای مردمی می‌شود. زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط با توجه کامل به وجه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است» (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۱۷).

تبیین مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر شیراز

با توجه به موارد گفته شده، می‌توان مؤلفه‌های هویت کالبدی هر شهر را استخراج نمود. علت انتخاب شیراز به عنوان نمونه موردی این بوده است که استان فارس به مرکزیت شیراز همواره مهد بزرگان تاریخ ادبیات، فلسفه و علم بوده و بیش از یک‌سوم از بزرگان ایران از فارس به ایران و جهان معرفی شده‌اند. شیراز زادگاه بزرگترین شاعران ایران و برترین فلاسفه و علمای تاریخ ایران بوده است. استان فارس و شهر شیراز فقط در یک دوره مطرح نبوده‌اند بلکه در تمامی ادوار تاریخی از هخامنشیان تا قرن معاصر از مهم‌ترین نقاط ایران و کل منطقه بوده‌اند. تمدن ۷۰۰۰ ساله فارس و آثار تاریخی استان فارس با ۳۰۰۰

شده‌اند در ذهن یک ارتباط میان کاربران و مکان‌ها را ایجاد می‌کند. کوشش در جهت حرکت به سوی معماری و شهرسازی با هویت پاسخی به نیازهای معنوی انسان‌ها در کنار نیازهای مادی ایشان است. ضرورت حرکت به سوی این مفهوم در برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور به صورت کلی و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به تفصیل موردتوجه قرار گرفته است» (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۴). مؤلفه‌های کالبدی شکل شهر به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده

که فعالیت تجاری و کسب‌وکار در نزدیکی محل عبادت و ارتباط با خدا باشد که یاد خدا آرامش‌دهنده دل‌هاست. از این نمونه‌ها بسیار می‌توان در معماری ایرانی اشاره نمود که در مجال این مقاله نمی‌گنجد.

یافته پژوهش

«آشکار کردن تاریخ یک مکان نقش مهمی را در هویت‌بخشی آن بازی می‌کند. مکان‌های عمومی که با تاریخ و فرهنگ شهر عجین

جدول ۲. تأثیر مؤلفه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اقلیم بر هویت شهر ایرانی (نمونه شهر شیراز)

مؤلفه‌های هویت شهر		شیراز
مؤلفه‌های طبیعی	مؤلفه‌های ساختاری طبیعی	رودخانه خشک
	مؤلفه‌های حوزه‌ای و ساختی طبیعی	باغات قصرالدشت در شمال و شمال غرب شیراز، نارنجستان‌ها
	مؤلفه‌های نقطه‌ای	ارتفاعات بوم (در شمال شیراز)، رشته کوه دراک (در غرب شیراز)، کوه‌های قبله و سبزپوشان (در جنوب غربی و جنوب شیراز)، کوه مهارلو (در شرق شیراز)
مؤلفه‌های مصنوعی	مؤلفه‌های نقطه‌ای خطی	رودخانه خشک
	منظر عمومی	خیابان‌های شطرنجی (ارگانیک)، مشاهده دشت شیراز از شکاف کوه که در میان آن گنبدهای پوشیده از کاشی‌های رنگین نمایان است و بعد از آن حصار و برج و باروی شهر و بعد باغ‌های اطراف شهر که درختان سرو زیبا در آنها خودنمایی می‌کند و سپس تنگه الله‌اکبر و دروازه قرآن
	عناصر خطی - ساختاری شاخص	رودخانه خشک شیراز ارتفاعات بوم، دراک، سبزپوشان و مهارلو
	شاخص‌های کانونی و نقطه‌ای شهری	میدان توپخانه، میدان مشق، تکیه هفت تنان، تکیه چهل تنان، مدرسه خان، مسجد جامع عتیق، مسجد نو اتابکان، مسجد وکیل و جلوخان آن
	شاخص‌های خطی - نقطه‌ای تاریخی و کالبدی	میدان توپخانه، میدان مشق، مجموعه ابنیه کریمخانی، گنبدهای علی ابن حمزه (ع)، شاهچراغ (ع)، آستانه سیدعلاءالدین حسین (ع)
	تک‌بناهای شاخص شهری	بناهای یادبود: آرامگاه‌های حافظ، خواجه، سعدی، شیخ کبیر، شیخ‌روزبهان، شاه‌شجاع، سبویه، دروازه قرآن. بناهای مذهبی: کلیسای حضرت شمعون، خانقاه احمدی، آدریان (عبادتگاه زرتشتیان). مرمت: بقعه شاهچراغ، آستانه سیدعلاءالدین حسین، آرامگاه شاه‌داعی‌الی‌الله، امامزاده شاه‌میرعلی حمزه، آرامگاه‌شیخ‌محمدلاهیجی، مسجد نو، مسجد جامع عتیق، موزه پارس، مدرسه خان، نارنجستان قوام، باغ ارم، باغ‌تخت، باغ‌دلگشا، باغ گلشن و ...
توده‌ها، حوزه‌ها و فضاهای شاخص شهری	الف: محلات حیدری‌خانه: محله اسحاق‌بیگ، محله بازار مرغ، محله بالاکنفد، محله درب‌شاهزاده، محله میدان‌شاه ب: محلات نعمتی‌خانه: محله سرباغ، محله سردزک، محله سنگ‌سیاه، محله لب‌آب، محله درب مسجد نو، محله کلیمیان	
مؤلفه‌های انسانی	تبار و نیاکان	مردم فارس
	اوضاع دینی و مذهبی	اکثراً مسلمان
	آداب و رسوم	حیات فرهنگی اجتماعی مردم، فعالیت‌های هنری و تجاری مردم، بوی بهارنارنج در سطح شهر
جمع‌بندی	زبان	فارسی، گویش شیرازی
	تأثیرات سیاسی بر هویت شهر	ساخت میداين مشق و توپخانه در زمان کریمخانی، و نیز بناهای کریمخانی در اطراف آن و تسلط ارگ بر آنها
	تأثیرات فرهنگی بر هویت شهر	عظیم‌ترین و جاودان‌ترین اثرات تاریخ و تمدن ایران در فارس است. شیراز شهر مشاهیر ادبیات، فلسفه و علم بوده است. خواستگاه موسیقی سنتی و اصیل ایرانی فارس است. آثار فرهنگی و تاریخی فارس و شیراز فقط در یک دوره مطرح نبوده‌اند بلکه در تمامی ادوار تاریخی از هخامنشیان تا قرن معاصر از مهم‌ترین نقاط ایران و کل منطقه بوده است.
	تأثیرات اقتصادی بر هویت شهر	بازار وکیل
	تأثیرات اقلیمی بر هویت شهر	آجر و خشت و سنگ مصالح اصلی ساخت‌وساز است که برآمده از اقلیم منطقه می‌باشد.
نتیجه نهایی	فرهنگ بر هویت تأثیر می‌گذارد.	

شهر عموماً تحت تأثیر نیازهای مختلف به وجود آمده، بنابراین به عنوان یکی از ویژگی‌های شهری می‌تواند نمایانگر شخصیت واقعی شهر تلقی گردند. در این میان انسان به عنوان مؤلفه‌ای قابل توجه در سرزندگی محیط، حائز اهمیت است. لذا تعاملات انسانی و اجتماعی نیز در ایجاد روحیه برای شهر بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

منظر و تصویر ذهنی مردم از شهر از تعامل میان آنان و مکان خلق می‌گردند. بنابراین می‌توان چنین تلقی کرد که وجود تصویر ذهنی قوی از مکان خالق و پشتیبان هویت شهر خواهد شد. همچنین نقش مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی و روان‌شناختی - ادراکی نیز قابل اهمیت است. طراحان شهری باید با پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان در محیط‌های شهری و دمیدن مؤلفه‌های انسانی هویت در روح حاکم بر فضا، محیطی هویت‌مند ایجاد کنند تا در افراد حس تعلق به مکان ایجاد گردد و آنها به حضور بیشتر در فضا و برقراری تعاملات اجتماعی ترغیب شوند. به گفته الکساندر (۱۳۸۶) مردم به فضاهای هویت‌مند نیاز دارند تا به آنها تعلق داشته باشند. بررسی تعامل میان مؤلفه‌های مذکور منتج به ارائه راهکارهای موجد قرارگاه‌های رفتاری و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌باشد که بر اساس آن اصولی مبین هویت آینده شهرها استنتاج گردد. این اصول عبارتند از: رویدادهای انسانی «تلاش در جهت نمود عینی بخشیدن رویدادهای انسانی و تاریخی محیط و فضاهای شهری»، رویدادهای تاریخی محیط «توجه به سیر تحول تاریخی مجموعه (هویت گذشته)، تحلیل وضعیت موجود (هویت کنونی) برای دستیابی به اهداف مورد نظر» (خطیبی، ۱۳۹۲، ۶۹).

در تبیین عنصر «هویت»، توجه به مقوله فرهنگ دارای اهمیت بسزایی است. زیرا فرهنگ و محیط، هویت‌ساز زندگی انسان می‌باشند، به نحوی که هر کدام نقش اساسی در تشکیل هویت برعهده دارند. از دیگر سو می‌توان دید که فصل مشترک هویت انسانی محیط و هویت فرهنگی انسان، هویت محیط را تشکیل می‌دهد.

فرهنگ‌های مختلف دارای نظام‌های ارزشی متفاوتی در ارتباط با محیط و محیط طبیعی هستند. بنابراین، نقش فضاهای شهری در بهبود کیفیت محلی، هویت و شخصیت ممکن است در میان گروه‌های مختلف فرهنگی در همان شهر و نیز در میان افراد متفاوت باشد. درک این که چگونه گروه‌های مختلف فرهنگی در شهرها از فضاهای شهری استفاده می‌کنند در توسعه سیستم‌های مدیریتی حائز اهمیت است. می‌توان برای ایجاد هویت و فرهنگ مشترک بر روی نمادها و آیین‌ها و مراسمی که در فرهنگ هر شهر وجود داشته تأکید کرد. چرا که نمادها و نشانه‌ها وسیله‌های بالقوه برای رساندن معناست.

هویت مربوط به شخصیت‌های مکانی که به افراد چیزی درباره محیط کالبدی و اجتماعی می‌گویند می‌باشد. آن چیزی است که یک مکان دارا می‌باشد زمانی که تا حدی به موقعیتش تعلق دارد و نه جای دیگری. هویت توسط محیط طبیعی و واکنش‌های افراد در مکان‌هایی که آنها ساکن هستند شکل گرفته است و تغییرات آنها را به هم وابسته می‌کند (Dougherty, 2006). از ابتدای شکل‌گیری هر شهر، طبیعت آن جزئی از تصویر ذهنی شهروندان و هویت آن شهر محسوب

می‌شود. لذا تأثیر طبیعت نیز در ایجاد حس مکان امکان‌ناپذیر است و انسان همواره به فضاهای آمیخته با طبیعت احساس تعلق می‌کند و این علاقه‌مندی به انس با طبیعت منجر می‌شود. ارتباط نزدیک شهروندان با مؤلفه‌های طبیعی اهمیت ویژه‌ای در ارتقای سطح زندگی آنان دارد. محیط مصنوع نیز چنین است.

با قبول شهر به عنوان موجودی زنده باید پذیرفت که عناصر متعددی در هویت آن مؤثر هستند. بنابراین علاوه بر مشخصه‌های کارکردی شهر، ابعاد انسانی، جغرافیای انسانی (عناصر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و عناصر اقتصادی نیز به عنوان مؤلفه‌های هویتی قابل اهمیت هستند. در این مؤلفه‌ها نقش عنصر فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. زیرا از آنجا که انسان و حضور عوامل انسانی به عنوان محوریت اصلی سرزنده‌سازی می‌باشد لذا نژاد، زبان، هنر، آداب و رسوم و تمام آنچه به عنوان عوامل فرهنگی مطرح است نیز اهمیت می‌یابد. بنابراین با توجه به مباحث گفته‌شده می‌توان برای بازآفرینی فضاهای واجد ارزش تاریخی شهر ایرانی (همان‌طور که از فضاهای طبیعی و مصنوعی شهر شیراز که به عنوان نشانه‌های شهری واجد هویت قابل اهمیت هستند نام برده شد)، عامل فرهنگ و توجه به مؤلفه‌های فرهنگی را مدنظر قرار داد و در ایجاد مراکز شهری سرزنده، مراکز پویای شهری و فضاهای هویت‌مند شهری کوشید.

نتیجه‌گیری

در سیمای محیط شهری «هویت» مؤلفه‌ای است که دارای اهمیت بسزایی است. انسان، فرهنگ و رفتارهای انسانی در هویت‌مند بودن یک محیط مؤلفه‌هایی قابل توجه هستند. بنابراین محیط شهری واجد هویت می‌تواند به عنوان حلقه‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته، حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد. متأسفانه شهرسازی امروز ایران، پیش از آنکه به عوامل محتوایی ذکر شده معطوف باشد در تظاهرات کالبدی خلاصه می‌شود؛ لذا شهرهای امروز کالبدهایی دارند که نمی‌توان برای آنها مفهومی در نظر گرفت و در آنها یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است.

فضا علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی‌شناسی این کالبد، واجد معنا و یا معانی‌ای نیز می‌باشد که در خاطره جمعی جامعه نقش می‌بندد. علاوه بر آن، عملکردهایی را نیز در مقاطع زمانی مختلف می‌توان برای هر فضا تعریف کرد که با استناد به مجموعه این‌ها تعریف شقوق مختلف هویت فضاهای شهری ایرانی (هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی) امکان‌پذیر می‌گردد. پیوستگی با گذشته و آینده یکی از آرمان‌های معقولی است که اگر در جهان عینی تجسم یابد، زیبایی به وجود می‌آورد. به جرأت می‌توان ادعان داشت «هویت» حلقه گمشده شهرسازی امروز است. از نظر جهان‌بینی نیز شهرهای امروز مسلمین نیز، بایستی بتوانند تجلی‌گاه ارزش‌های معنوی باشند، و بتوانند تجلی ارزش‌ها را به گونه‌ای نمایش

شناخت نیازهای جامعه انسانی و شناخت ارزش‌های فرهنگی جامعه به نظام پایدار برنامه‌ریزی برای شهر معاصر اندیشید.

- آنچه در شکل‌گیری کالبد شهر نقش ایفا می‌کند ناشی از شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی است. به بیانی دیگر شکل‌گیری بسیاری از شهرهای ایرانی ناشی از این عوامل بوده است. در این میان عامل فرهنگ نقشی اساسی دارد.

- همچنین قابل توجه است که عدم شناخت و درک ساختار و استخوان‌بندی شهرها و نیز عدم توجه به نشانه‌های فرهنگی هر شهر و عدم تلاش برای حفظ و احیاء و توسعه در جهت تداوم ارزش‌های گذشته آن، موجب بروز لطمات فراوان به ارزش‌های نهفته در شهرها و الگوهای شهرسازی سنتی ایران شده است. در شهرسازی امروز، فرایندهای تأویلی نظام‌های نشانه‌ای در شهر، که هدف آنها نشان دادن معنی اجتماعی- فرهنگی محیط کالبدی است، کمتر مورد توجه بوده و واگوی پیرامون آن حائز اهمیت است. این رویکرد درصد است تا شکل شهر را بر اساس نظام نشانه‌ها تبیین کند. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت، که نشانه‌شناسی شهری ابزاری ارزشمند برای بازنمایی مؤلفه‌های هویت فرهنگی در شهرها محسوب می‌گردد. لذا می‌توان در حوزه فرهنگی طراحی شهرها، موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

- بازآفرینی و احیاء مناطق تاریخی شهرهای ایرانی با توجه به مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی هویت کالبدی شهر؛

- ایجاد فضای فرهنگی با حضور کارکردهای مناسب برای پویایی فرهنگی محلات و شهر؛

- تقویت تعامل‌پذیری بافت‌ها و مناطق تاریخی شهرها با رویکرد باززنده سازی مؤلفه‌های فرهنگی هویت شهر؛

- توجه به برگزاری مراسم آیینی و مراسم مذهبی به گونه‌ای که موضوعی هویت‌بخش برای محلات و شهر باشد.

- ایجاد ساختاری در بدنه برنامه‌ریزی و اجرایی بافت تاریخی در بیان سابقه حیات تاریخی شهر به منظور جذب بیشتر گردشگر؛

- برجسته نمودن فرم المان و نشانه‌های شهری با استفاده مناسب از مصالح و رنگ متناسب با هویت اقلیمی و فرهنگی هر شهر؛

- ایجاد المان‌ها و نشانه‌های مرتبط با فرهنگ شهر به گونه‌ای که به عنوان تداعی‌کننده و همچنین شاخص عناصر مهم هویتی شهر باشد.

- جانمایی نشانه‌های شهری و المان‌های میدانی شهر در قالب یک نقشه ادراکی به هم‌پیوسته برای تقویت مؤلفه‌های فرهنگی

- استفاده از کاربری و عملکرد مناسب برای نشانه شهری متناسب با شرایط و طرح‌های شهری؛

- بهره‌گرفتن از خاطرات مردم و معانی و مفاهیم مناسب در طراحی نشانه‌ها و المان‌ها؛

۱. پی نوشت

1. Edward Burnett Tylor

2. Edward T. Hall

دهند که پاسخگوی نیازهای انسان معاصر بوده و الگوی مناسب محیط‌زیست انسان را ارائه نمایند. فضاهای شهری سنتی ایرانی و فضاهای شهری اسلامی، به واسطه حضور پایدار شهروندان دارای روحیه سرزندگی و شادابی بوده‌اند. در چنین فضاهایی تعاملات سازنده اجتماعی و مراودات شهروندی، امکان برخورداری از نوعی نظارت شهروندان بر محیط‌ها و عرصه‌های عمومی را فراهم می‌آورده است. همین تعاملات اجتماعی و تعلق مکانی، هویت شهر را موجب می‌گردیده است. بناهای تاریخی و هسته‌های تاریخی شهرها فضاهای مکان‌های عمومی هستند که سامان‌بخشی کیفیت محیطی آنها می‌تواند نماد سامان‌بخشی و سرزندگی تمامیت یک شهر باشد.

ایجاد یک تصویر ذهنی واضح می‌تواند فضاهای تاریخی شهر را به عنوان مکان‌هایی با معنای فردی و اجتماعی هویت‌مند نماید. چنانچه این عناصر هویت‌مند دارای جذابیت و مطلوبیت باشند خود به دارای‌هایی برای بازاریابی و مطلوبیت کلیه کاربری‌ها و کارکردهای شهری تبدیل می‌گردد. ساختارهای تاریخی به عنوان نشانه‌های شاخص شهری موجب افزودن حس تداوم تاریخی می‌گردد. لذا پیوند بین دوران گذشته با معاصر ایجاد شده که این مورد خود در تداوم فرهنگی جامعه بسیار مؤثر خواهد بود. در ایجاد تصویر ذهنی از سیمای شهر توجه به مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی هویت کالبدی محیط ضروری است. به طور مثال تقویت معماری محلی و بومی، به جای استفاده از معماری بیگانه در ایجاد تصویر ذهنی قوی از شهر تاریخی بسیار قابل توجه می‌باشد. توپوگرافی، منظرهای طبیعی و آنچه به عنوان خصوصیات طبیعی شهر وجود دارد می‌تواند به عنوان مؤلفه‌های هویت طبیعی شهر مطرح باشد. لذا می‌توان با ایجاد جذابیت در بازسازی مناظر طبیعی تصویر ذهنی مردم را در مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر تقویت نموده و ساختارهای نوین نیز در هویت‌بخشی به عناصر طبیعی عمل نمایند. همچنین در احیاء ساختارهای تاریخی شهرها میزان رضایتمندی، استفاده و مراجعه ساکنان به بناها و ساختارها حائز اهمیت است. باید توجه داشت که زمانی ساکنان و بازدیدکنندگان به چنین ساختارهایی مراجعه می‌نمایند که امکانات سرگرمی، تنوع و تسهیلات و زمینه‌های پویایی و جذابیت مکان در آنها وجود داشته باشد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت چنین باززنده سازی فضایی می‌تواند به عنوان احیای فرهنگی نیز مطرح باشد که این مورد خود می‌تواند به سرزندگی محیط منجر شود. ارتقاء کیفیت محیطی شهرهای تاریخی در ارتقای کالبدی- فضایی ارزش‌های شهری بسیار قابل توجه می‌باشد که این دو مورد اخیر می‌تواند در تداوم تاریخی- فرهنگی و ارتقای فرهنگی جامعه تاریخی نیز مؤثر باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان به اختصار چنین برشمرد:

- در تعریف شهر عناصری مهم وجود دارد که در این میان توجه به سیمای شهر، سازمان فضایی، نمادها و نشانه‌های شهری، روابط انسانی و تعاملات اجتماعی بسیار قابل توجه است.

- در سیمای شهر کهن ایرانی هر یک از این عناصر مورد توجه بوده است. اما در شهرسازی معاصر متأسفانه چنین نبوده است.

- می‌توان با شناسایی اصول شکل‌دهنده فضاهای شهری ایرانی،

اردیبهشت ۱۳۸۴. تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

۱۹. کربلایی نوری، رضا. (۱۳۸۵). هویت، شهر، خاطر. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید. همایش بین‌المللی شهرهای جدید. اردیبهشت ۱۳۸۴. تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

۲۰. کالن، گوردون. (۱۳۷۷). گزیده منظر شهری. (منوچهر طبیبیان، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۱).

۲۱. گروت، لیندا؛ و وانگ، دیوید. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در معماری. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).

۲۲. گلکار، کورش. (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، ۴، ۹۵-۱۱۴.

۲۳. لینیچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر. (سید حسین بحرینی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۱).

۲۴. ماجدی، حمید؛ و زرآبادی، زهراسادات سعیده. (۱۳۸۹ الف). جستاری در نشانه‌شناسی شهری. آرماتشهر، ۴، ۴۹-۵۶.

۲۵. ماجدی، حمید؛ و زرآبادی، زهراسادات سعیده. (۱۳۸۹ ب). شهر نشان‌دار به مثابه شهر زمینه‌گرا. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳، ۱-۲۲.

۲۶. مامفورد، لویی. (۱۳۸۵). فرهنگ شهرها. (عارف اقوامی مقدم، مترجم). تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۰).

۲۷. مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری. (فرهاد مرتضایی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۶).

۲۸. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا؛ و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن. هویت شهر، ۷، ۱۱۳-۱۲۲.

۲۹. نصر، طاهره. (۱۳۹۵). هویت کالبدی شهر؛ مفاهیم و نظریات (موردکاوی: شهرهای شیراز، اصفهان، یزد و بوشهر). تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۳۰. نصر، طاهره. (۱۳۹۲). تبیین مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر ایرانی. رساله دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

۳۱. نصر، طاهره؛ و ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. آرماتشهر، ۱۱، ۲۶۹-۲۷۷.

۳۲. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵ الف). تأملی بر روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی. هنرهای زیبا، ۲۵، ۱۵-۲۴.

۳۳. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵ ب). معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: راهیان.

34. Dougherty, D. L. (2006). *Embodying the City: Identify and use in Urban Public Space*. Unpublished master's thesis, Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements, Virginia.

35. Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Mass Cambridge Massachusetts: MIT press.

36. Mamford, L. (1961). *The City in History*. New York: Harcourt, brace & world Inc.

3. Julian Laurence Woodward

4. Robert Lee Sutherland

5. Alfred Louis Kroeber

6. Marvin K. Mayers

فهرست مراجع

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: نشر آگاه.

۲. الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی- راه بی‌زمان ساختن. (ویرایش ۲). (مهرداد قیومی بیدهندی، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۹).

۳. بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: انتشارات شهر.

۴. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۶). هویت و این‌همانی با فضا. مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد پنجم. اسفند ۷-۱۲، (ص ۴۷-۵۶). تهران: انتشارات میراث فرهنگی.

۵. جعفری، علامه محمدتقی. (۱۳۷۹). فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۶. چندلر، دانیل. (۱۳۸۶). مبانی نشانه‌شناسی. (مهدی پارسا، مترجم). تهران: شرکت انتشارات سوره مهر. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).

۷. حبیب، فرح. (۱۳۸۵). کندوکاوی در معنای شکل شهر. هنرهای زیبا، ۲۵، ۱۴-۵.

۸. حمیدی، ملیحه. (۱۳۷۶). استخوان‌بندی شهر تهران. (جلد اول). تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.

۹. خطیبی، سید محمدرضا. (۱۳۹۲). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر مطالعه موردی محدوده ورودی سنندج. هویت شهر، ۱۳، ۶۳-۷۳.

۱۰. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۵). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات مجلس شورای ملی.

۱۱. ربانی، رسول. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۲. روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی. تهران: نشر عطار.

۱۳. زیاری، کرامت‌اله. (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ در ساخت شهر با تأکید بر فرهنگ اسلامی. جغرافیا و توسعه، ۲، ۹۵-۱۰۹.

۱۴. سموار، لاری؛ و پورتر، ریچارد؛ و استفانی، لیزا. (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ‌ها، (غلامرضا کیانی و سید اکبر میرحسینی، مترجم). تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).

۱۵. شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۶. عمید، حسن. (۱۳۵۰). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.

۱۷. فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی شهری. (عبدالحسین نیک گهر، مترجم). مشهد: نشر آگه. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).

۱۸. قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۸۵). بررسی حس مکان در شهرهای جدید. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید. همایش بین‌المللی شهرهای جدید.

37. Proshansky, H. M. (1978). The City and Self-Identity. *Environment and Behavior*, 11(2), 147-169.
38. Rapoport, A. (1977). *Human Aspects of Urban Form*. New York: Pergamon Press.
39. Stringer, P. (1975). *Environmental interaction: Psychological Approaches to Our Physical Environment*. London: Surrey University Press.

The Significance of “Landmarks” in Analysis of the Components of “Identity” and “Culture” in the Image of Iranian City (Case Study: Image of Shiraz City)

*Tahereh Nasr**, Ph.D., Assistant Professor, Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Abstract

A City with culture-oriented pattern can't be implemented anywhere in the field. Identity is an important factor that shapes the townscape. A townscape is a collection of natural and man-made factors that have been formed under the influence of special natural, cultural, social and economic characteristics of that given town and it's the place of materialization of the special characteristics of that town. On the other hand, urban spaces can remind people of the symbolic aspects of culture and history.

In facing with the appearance of modern towns, one sees a crisis caused by the disproportion of spaces to their current functions, composition of inconsistent uses, uniformity and lack of dynamism in urban spaces. This paper describes the concept of identity and culture. In terms of that cultural identity can affect the townscape and the face of the city. Objective of research is to know these following questions, What factors play a role in physical identity of Iranian historical cities? How can the component culture influence on the physical identity of Iranian cities? And Can the cultural identity components of cities be proposed as the landmarks and signs in the historical cities?

This research has two hypothesis, firstly Cities' cultural identity components can be presented as symbols in historical cities. And secondly Attention to the culture concept in the form and sense of today Iranian cities can be controlled cities' image identity crisis effectively.

The method explored in components of the physical identity of Shiraz city is a descriptive – analytical and field method to gather information and documents are available.

Results of this study shows that the towns have an appearance in which uniformity of the urban fabrics, inconsistency between the apparent form of the space and its meaning, inattention to the notion of form and meaning in our culture is observable and consequently, there are forms that have no meaning. In addition, research suggests that the consequences of belonging to a place in the Iranian city of proving spatial identity. So, the components of cultural identity of the city can be considered as signs or landmarks of the historical cities.

Urban semiotics are considered as a valuable tool for the representation of the cultural identity components in urban areas. According to the results, the following suggestions can be considered in the cultural sphere of urban design.

Recreating and revival Iranian historical cities with respect to the cities' natural, synthetic and human identity components; Strengthening of historical cities' textures interoperability with the approach of regeneration of cultural identity components of cities; Locating of urban landmarks and elements of town squares as a contiguous cognitive and perceptual map for strengthening the cities' cultural components; Taking advantage of peoples' memories and appropriate concepts to design of signs, landmarks and elements; Creating the cultural spaces with the appropriate functioning of the cultural dynamics of neighborhoods and cities and Highlight the urban elements and landmarks form with the proper use of materials and colors appropriate to the climate and the cultural identity of each city.

Keywords: Identity, Culture, Urban Landmark, Culture-oriented City, Townscape of Shiraz.

* Corresponding Author: Email: nasr@iaushiraz.ac.ir